

دین تبتی روی خط آهن چین

علی فرح بخش



احداث کرد. این در حالی است که توربست‌های داخلی و خارجی بسیاری نیز به این منطقه دور افتاده و بکر روی آورده و در رشد اقتصادی آن بسیار تأثیر می‌گذارند. احداث این راه آهن در حالت کلی منافع بسیاری برای دولت چین به ارمغان خواهد آورد اما چالش‌های جدیدی را نیز رقم خواهد زد. عمده چالش‌های پیش‌رو را میتوان در تأثیرات حاصل از نفوذ عقاید و افکار جدید در دین مردم تبت دانست. هر چند که این خط آهن برای مردم تبت که سالها با دشواری و گاه فقر زیسته‌اند مزایای بسیاری از قبیل کار و حرفه ی بهتر، پول، امکانات رفاهی و ... را به ارمغان خواهد آورد اما این جهش برای مردم تبت و فرهنگ اصیل و دین شان به چه قیمتی تمام خواهد شد؟

در این راستا دالایی لامای چهاردهم، رهبر تبعیدی بوداییان تبت، طی یک سخنرانی که در چهل و هشتمین سالگرد قیام صلح جوانه مردم تبت ایراد نمود به انتقاد از راه آهن جدید پرداخته و چنین گفت: «هیچ چیز اشتباهی در ساختار زیر بنایی توسعه همچون خط راه آهن وجود ندارد. از زمانی که راه آهن کار خود را آغاز نموده، تبت پیشرفت کرده و افراد زیادی از چین به تبت رفت و آمد می‌کنند، در عوض محیط زیست مسیر رو به زوال و تباهی ست، آب مقدس، آلوده شده و بی رویه مصرف می‌شود. بهره‌گیری از منابع طبیعی، همه و همه موجب نابودی عظیم زمین و تمام ساکنان آن می‌شود. درست است که قانون اساسی چین، مذهب خودمختار اقلیت‌های مذهبی را تضمین می‌کند اما مشکل اینجاست که این کار به تنهایی عملی نیست و در راستای اجرای اهداف، اشتباهاتی نیز رخ می‌دهد و این اشتباهات متوجه هویت، فرهنگ و زبان اقلیت‌های مذهبی ست و در این میان این اقلیت‌ها هستند که برای دفاع از ارزشهای خود قیام می‌کنند.

تصور کنید چه اتفاقی می‌افتد زمانیکه عده‌ی زیادی از اقلیت‌های مذهبی از خانه و کاشانه‌ی خود به مکانی یا کشوری دیگر بروند؟ از این رو، این ملیت‌ها به دلیل قلیل بودنشان، مجبورند از هویت، فرهنگ و زبانشان دفاع کنند تا تغییری در آن صورت نپذیرد. البته هویت و فرهنگ و زبان در اقلیت‌های مذهبی کشورها و سرزمین‌های دیگر متفاوت است. بنابراین، خطری بزرگ برای فرهنگ، زبان و سنت‌های غنی که به تدریج رو به نابودی هستند، احساس می‌شود.»

سخنان دالایی لاما حاکی از آن است که احداث این راه آهن هر چند که برای تبت مزایایی را به ارمغان می‌آورد، اما از سوی دیگر تهدیدی جدی برای فرهنگ و دین مردمان تبت محسوب می‌شود. احداث راه آهن تبت، آیین بودای تبتی را با چالش‌هایی مواجه خواهد ساخت که عموماً اصالت‌ها و زیرساختهای بنیادین آیین را مورد تهدید قرار می‌دهد.

سرزمین تبت در دهه‌های اخیر، مسائل بحث‌انگیز بسیاری را پشت سر گذاشته و همواره از آن، گفت و گوهایی پیرامون مباحث مذهبی و سیاسی، در محافل دولتی و غیر دولتی چین و جهان در میان است. آیین بودای تبتی از مشهورترین فرقه‌های بودایی جهان محسوب می‌شود که سال‌ها رهبری مذهبی این فرقه را لاماهای اعظم بر عهده داشتند. پس از انقلاب مائو، تبت بر خود مختاری خود مهر تأکید زد اما دولت کمونیست این ادعا را باطل دانسته و در سال ۱۹۵۹ میلادی، در راستای الحاق تبت به خاک مادری چین، به این سرزمین هجوم آورده و با جنبش آزادی تبت وارد جنگ شد. در این میان راهبان بودایی و مردم عادی بی‌دفاع، بیشترین آسیب را متحمل شدند. در دهم مارس ۱۹۵۹ دالایی لامای چهاردهم که رهبری سیاسی و مذهبی تبت را تا آن زمان بر عهده داشت، پس از شکست رسمی تبت، به هند گریخته و تبعید شد و این معضل همچنان به شکل پیشین خود پا بر جاست.

منطقه خودمختار تبت یکی از پنج منطقه خودمختار چین بوده و در یادداشت‌های کتب از آن به عنوان سی زانگ یاد می‌شود. تبتی‌ها ملیت عمده این منطقه قلمداد می‌شوند. این منطقه در جنوب و غرب با کشورهایمانند برمه، هند، بوتان و نیپال هم مرز بوده و خط مرزی آن به حدود چهار هزار کیلومتر می‌رسد. تبت با مساحتی در حدود یک میلیون و ۲۲۰ هزار کیلومتر مربع دارای دو میلیون و ۶۰۰ هزار نفر جمعیت است.

تبت به علت ویژگیهای خاص جغرافیایی مانند میانگین ارتفاع بالاتر از چهار هزار متر و بافت کوهستانی بسیار صعب‌العبور، همواره دارای ویژگیهای اجتماعی خاص خود بوده است. صعب‌الوصول بودن مناطق مسکونی تبت، این سرزمین را با بافت کهنه‌ای انسجام داده که کمترین نفوذ فرهنگ‌ها و تمدن‌های خارجی را داشته است. فرهنگ و سنت مردمان تبت، ساختاری بسیار قدیمی داشته و در آن نفوذ فرهنگهای بیگانه بسیار به‌ندرت دیده می‌شود، با این حال تحولات نوبتی در سالهای اخیر در تبت رخ داده؛ این تحولات حاصل احداث بلندترین خط آهن جهان در تبت است که دولت چین مجری آن بوده است.

راه‌آهن تبت - چینگ‌های، به طول یک هزار و ۱۴۲ کیلومتر، از شهر سی نینگ در شمال چین آغاز می‌شود و به شهر لپاسا، مرکز تبت امتداد می‌یابد. ساخت این راه آهن از سال ۲۰۰۱ آغاز شد. هر چند که بسیاری این طرح را غیر ممکن می‌دانستند، اما با پایان آن، دولت چین یکی از بزرگترین پروژه‌های ترابری خود را با موفقیت به انجام رساند. دولت چین این خط آهن را در راستای ارتقاء سطح فرهنگی تبت و نیز بهره‌ی بهینه از معادن آن،

زندگی غیر اخلاقی نمی تواند معنادار باشد

بررسی موضوع «دین و معنای زندگی»، عنوان سی و سومین جلسه از جلسات ماهانه گفت‌وگوی ادیان بود.

در این نشست که با حضور «امیرعباس علی‌زمانی» عضو هیات علمی دانشکده فلسفه دانشگاه تهران، سید محمد علی ابطحی رئیس موسسه گفت و گوی ادیان و جمعی از اندیشمندان و علاقه‌مندان برگزار شد، بر لزوم اعتقاد به دین برای معنادار شدن زندگی تأکید شد. دکتر علی زمانی، استاد و عضو هیات علمی دانشگاه تهران در سخنان خود با اشاره بر لزوم وجود «اعتقاد و باور» برای معنادار شدن زندگی، آن را باور و اعتقاد ارزشی عنوان کرد. وی گفت: اگر قرار باشد خدا به زندگی انسان معنا بدهد، باید خدایی باشد که عدالت کیهانی را به وجود آورد و منبع اخلاق باشد. این استاد دانشگاه تهران افزود: برای درک موضوع «دین و معنای زندگی» باید مفهوم دین و همچنین معنای زندگی را جداگانه بررسی کرد. وی گفت: کتاب‌های زیادی در خصوص معنای زندگی (The meaning of Life) نوشته شده است و هر کس این عنوان را به گونه‌ای تفسیر کرده است، اما بر سه مفهوم در این تفاسیر بیشتر تأکید شده است. علی‌زمانی، «هدف»، «ارزش» و «کارکرد» را سه مفهوم مجزای تعریف شده برای معنای زندگی عنوان کرد و آنها را با یکدیگر در تعامل دانست.

این استاد فلسفه تطبیقی با توضیح این مفهوم از دید فلاسفه مختلف، گفت: اگر هدف ارزش عینی کافی داشته باشد، لازمه این زیستن

داشتن احساس آرامش است. وی با اشاره به افسانه سیزف، که هر روز سنگی را از پایین کوه به بالا هل می‌داد و باز سنگ به پایین می‌غلتید، افزود: تکرار عامل بی‌معنا شدن زندگی است و اگر قرار است انسان از زندگی لذت ببرد، باید کارهایش معنادار باشد.

این استاد دانشگاه تهران، با ذکر مثالی در مورد کسانی که هدف و باور دارند اما این هدف و اعتقاد واهی است، گفت: در این شرایط فردی که شکنجه‌گر است و از این کار لذت می‌برد و فردی که کلکسیون جمع می‌کند و به این کار عشق می‌ورزد، هر دو باید زندگی معناداری داشته باشند و اگر صرف وجود خدا به زندگی معنا بدهد، همه انسان‌ها باید زندگی با معنی داشته باشند اما ما می‌خواهیم مرزی میان زندگی معنادار و زندگی با توهم قائل شویم. دکتر علی زمانی افزود: بنابراین زندگی معنادار، زندگی است که بر مبنای ارزش استوار باشد و زندگی غیر اخلاقی نمی‌تواند معنادار باشد، چون بحث معنای زندگی از سوئی ریشه در دین و از سوی دیگر ریشه در اخلاق دارد.

وی با اشاره به گفته جان هیک که می‌گوید، «خدا در ادیان ابراهیمی به ما نوعی خوش‌بینی کیهانی می‌دهد» گفت: تصویر ما از خدا ممکن است ما را از زندگی زده کند اما باید دانست که اگر قرار باشد خدا به زندگی انسان معنا بدهد، باید این خدا خدایی باشد که عدالت کیهانی به وجود آورد و منبع اخلاق باشد. در پایان این جلسه، دکتر علی‌زمانی به سؤالاتی پیرامون محور گفت‌وگوی خود که از سوی حضار مطرح شد، پاسخ داد.

مناقشه چین با دالایی لاما بر سر رهبر آینده بوداییان

در پی قوانین اخیر چین مبنی بر تصویب صلاحیت رهبر معنوی بوداییان تبت از سوی دولت این کشور، دالایی لاما اعلام کرد ممکن است در اقدامی به مثابه شکستن سنت باستانی بودیسم تبتی جانشین خود را انتخاب کرده و یا پیش از مرگ، طی انتخاباتی آن را منصوب کند. به گزارش آسوشیتدپرس، براساس سنت بودیسم تبتی که قرن‌ها از آن می‌گذرد جستجوی تناسخ رهبر معنوی یا لاما، از جمله دالایی لاما و پنچن لاما پس از مرگ رهبران از سوی راهبان تبت پیگیری می‌شود.

دالایی لاما که در ژاپن به سر می‌برد روز سه شنبه ۲۹ آبان اعلام کرد: مردم تبت از جانشینی که پس از مرگ من از سوی چین انتخاب شود حمایت نمی‌کنند. اگر مردم تبت بخواهند نظام دالایی لامایی را حفظ کنند، یکی از راه حلها انتخاب دالایی لاما، آن هم در زمان حیات من است. رهبر تبت مقامات چین را به آزار راهبان و شهروندان تبتی متهم و روابط منطقه با دولت چین را طی سالهای اخیر پرتنش تر از همیشه توصیف کرد. قانون جدید چین که ماه سپتامبر اجرایی شد تأکید می‌کند تمام انتصاب‌های لاماهای آینده مربوط به بودیسم تبتی باید از تصدیق دولتی برخوردار باشند که این امر از نفوذ منابع خارجی در فرآیند انتخاب جلوگیری می‌کند. قانون دولت چین این نگرانی را میان تبتی‌ها به وجود آورد که دولت مرکزی پس از مرگ دالایی لامای چهاردهم، رهبری طرفدار یکن برای آنها انتخاب کند. چین از زمانی که نیروهای کمونیست آن در سال ۱۹۵۱ تبت را اشغال کرد با رویکرد سرکوبی با تبتی‌ها رفتار و دالایی لاما را به جدایی طلبی متهم می‌کند. دولت معزول شده تبت که پس از سال ۱۹۵۹ به دنبال قیام ناموفق دالایی لاما در دارمسالا، هندوستان به سر می‌برد این قانون چین را به‌عنوان تلاشی برای سرکوبی فرهنگی دینی این منطقه هیمالیایی تلقی می‌کند. در سال ۱۹۹۵، دالایی لاما پسر ۶ ساله‌ای را به عنوان یازدهمین پنچن لاما، دومین مقام عالی مرتبه در سلسله مراتب بودیسم تبتی پس از دالایی لاما انتخاب کرد، اما از این انتخاب مدت اندکی گذشت، چرا که از آن زمان تاکنون هیچ کس آنها را ندیده است. دولت کمونیست چین به جای آن پنچن لامای خود را منصوب کرد.

